دایرة المعارف های شرق اسلامی

اسعدی، مرتضی

نسب دایرة المعارف نویسی در حوزهء تمدن اسلامی را به«رسائل اخوان الصفا»و نوشته‏های فارابی و ابن‏ سینا می‏رسانند.نوشته‏های دایرة المعارفی متقدم‏ اسلامی،دست کم تا قرون ششم و هفتم هجری قمری‏ بیشتر موضوعی و غیر الفبایی بوده و طبیعی است که‏ به مهم‏ترین زبان علمی حوزهء تمدن اسلامی در آن ایام، یعنی به عربی نوشته شده‏اند.البته قابل توجه است که‏ مهم‏ترین نوشته‏های دایرة المعارفی فارسی(که دومین‏ زبان مهم حوزهء تمدن اسلامی بوده)،یعنی«درة التاج» قطب الدین شیرازی و«نفایس الفنون»محمد بن‏ محمود آملی نیز در اواخر قرن هفتم و اوایل قرن‏ هشتم هجری قمری تدوین شده‏اند.«درة التاج لغرة الدباج»را که مجموعه‏ای در منطق،حکمت طبیعی، حکمت ریاضی،الهیات و به یک تعبیر نوعی‏ دایرة المعارف فلسفی است،و به«انموذج العلوم»نیز مشهور بوده،قطب الدین شیرازی در فاصله سالهای‏ 693 تا 705 هجری قمری،به نام امیر دباج،از حکام‏ محلی گیلان نوشته،و«نفائس الفنون فی عرائس‏ العیون»را نیز که دایرة المعارف‏گونه‏ای در علوم و فنون‏ مشتمل بر دو بخش علوم اوایل و علوم اواخر است، محمد بن محمود آملی که در زمان سلطان محمد خدابنده(الجایتو)مدرس مدرسه سلطانیه بوده،در فاصلهء سالهای 735 تا 742 هجری قمری تألیف کرده‏ است.در اینجا از اشاره به آثاری که از نظر موضوعی‏ دایرة المعارفی بوده‏اند ولی عنوان دایرة المعارف(یا موسوعه)نداشته‏اند در می‏گذریم و تنها به مجموعه‏های‏ دایرة المعارفی متأخری که در جهان اسلام پدید آمده‏اند،اشاره می‏کنیم،و ذکر همهء آثار دایرة المعارفی‏ برجستهء متقدم را،از«عقد الفرید»ابن عبد ربه و «رسائل اخوان الصفا»و«اغانی»ابو الفرج اصفهانی‏ گرفته تا آثار ابن سینا،فارابی،فخر رازی،قزوینی، سیوطی و بسیاری دیگر امثال ایشان یا آثاری همچون‏ «معجم البلدان»و«معجم الادبا»ی یاقوت و«وفیات‏ الاعیان»ابن خلکان و«نهایة الادب»نویری و«صبح‏ الاعشی»قلقشندی و...را به فرصت دیگری‏ می‏گذاریم.در این میانه آثار دایرة المعارفی که تحت‏ عنوان«معجم»یا به صورت معجم موضوعی و تحت‏ عناوین دیگر فراهم آمده‏اند،خود شایستهء عنایتی‏ جداگانه‏اند.

باری،تعبیر«دایرة المعارف»،و بعد از آن«موسوعه»، نخست در نیمه سدهء نوزدهم میلادی در جهان اسلام‏ تداول یافت.تعبیر نخست را المعلم بطرس بستانی‏ (1883-1819 م)،مارونی لبنانی و صاحب اولین‏ دایرة المعارف برجستهء امروزین در زبان عربی و جهان‏ اسلام،در نیمه دههء 1870 میلادی باب کرد،و تعبیر دوم را-که به طور دقیق هم معنای تعبیر نخست بود، ولی به خلاف آن تنها در جوامع عربی رواج یافت-اول‏ بار احمد زکی پاشا ادیب مشهور مصری(متوفی‏ 1353 هـ.ق./1934 م)در اواخر قرن نوزدهم و اوایل‏ قرن بیستم میلادی در«موسوعات العلوم العربیهء»خود به کار برد.تعبیر اخیر که پس از چندی از رواج افتاد، در دو سه دههء اخیر دوباره در جوامع عربی رواج یافت و بر مجموعه‏های دایرة المعارفی مختلفی اطلاق گردید.

دایرة المعارف بطرس بستانی همچنان که گفته شد، نخستین دایرة المعارفی است که در جهان اسلام به‏ روش جدید تدارک شده است.این مجموعه که عنوان‏ کامل آن«دایرة المعارف قاموس عام لکن فن و مطلب» است،بیشتر بر ترجمهء«دایرة المعارف امریکانا»ی طبع‏ دوم مبتنی بوده و قسمت‏های مربوط به ادب عرب و اسلام را خود بستانی(یا گاهی یکی دیگر از اهل فن)افزوده است.برای نمونه مقالهء«بابیه»را در این‏ دایرة المعارف،سید جمال الدین اسدآبادی نوشته‏ است.متأسفانه این دایرة المعارف تنها تا مدخل‏ «عثمانیه»(در یازده جزء یا جلد)تدارک شده و از آن‏ پس متوقف مانده است.بطرس بستانی که از موالید «قریة الدبیه»از اقلیم«خروب»در جبل لبنان بود،خود در فاصلهء سالهای 1876 تا 1882(یا 1883)شش‏ جزء از سیرده جزء موجود را با همکاری فرزند ارشدش‏ سلیم البستانی منتشر کرد،و در اول ماه مه 1883 در حالی که مشغول تدارک مقالهء«دایرة»از جزء هفتم‏ بود،به سکته درگذشت.او از برجسته‏ترین چهره‏های‏ نهضت علمی فرهنگی جدید عرب و از پرتأثیرترین‏ شخصیت‏های فرهنگی مارونی بود؛همکاری با ادوارد فن دیک و عالی اسمیث در ترجمهء«تورات»،تأسیس‏ یک مدرسهء ملی در بیروت(در سال 1863)،تدارک‏ قاموس مشهور«محیط المحیط»-که در کل بر «قاموس المحیط»فیروزآبادی مبتنی است-انتشار دو نشریه تحت عناوین«الجنان»(اوایل 1870)و سپس‏ «الجنة»،و سرانجام تدوین همین«دایرة المعارف»مورد بحث،از خدمات فرهنگی او بود،و فرزند ارشدش سلیم‏ که در بیشتر این کارها یار و همراه او بود.پس از مرگ‏ پدر اجزای هفتم و هشتم این دایرة المعارف را(شامل‏ مقالات«حرب بن ابیه»تا«روستجق»)در سالهای‏ 1883 و 1884 منتشر کرد.مرگ زودهنگام سلیم‏ بستانی،چندی کار تدارک اجزای بعدی را متوقف کرد، تا آنکه اجزای نهم،دهم و یازدهم(تا مدخل«عثمانیه») به ترتیب در سالهای 1900،1898،1887 میلادی‏ به همت دو پسر دیگر بطرس بستانی،یعنی نجیب، نسیب و یکی دیگر از افراد همین دودمان،یعنی‏ سلیمان بستانی(1856-1925)انتشار یافت.کار تدارک و انتشار این دایرة المعارف از آن پس متوقف‏ ماند.به ظاهر خود بطرس بستانی نمونه‏ای از اولین‏ اجزای این دایرة المعارف را که در ایام سلطنت سلطان‏ مراد پنجم عثمانی فراهم آمده بوده،به اسماعیل پاشا خدیو مصر تقدیم کرده بود و با جلب نظر او به این کار از حمایت‏های گوناگون حکومت مصر برخوردار شد و از جمله کتابخانهء ارزشمندی که حاوی منابع بسیار گرانبها بود،برای تدوین این دایرة المعارف در اختیار او قرار گرفت.

در دایرة المعارف بطرس بستانی که بعدها در سال‏ 1956 مورد تجدید نظر فؤاد افرام بستانی،رئیس‏ دانشگاه لبنان در بیروت و گروهی از علمای لبنان قرار گرفت و معروض برخی حذف و اضافات شد،این‏ مشخصات به طور خلاصه قابل ذکر است:عام و الفبایی‏ است؛مصدر است؛مقالاتش بیشتر امضا دارند؛برای‏ هر مقاله کتاب شناسی‏های مبسوطی ذکر شده است؛ اسامی و اعلام در آن بیشتر با حروف انگلیسی‏ آوانویسی شده‏اند و صورت‏های انگلیسی اسامی بعضی‏ از مشاهیر رجال مسلمان یا شرقی،مثل ابن‏ سینا( annecivA )یا ابن رشد( seorrevA )نیز داده‏ شده است؛در هر جلد فهرست اسامی نویسندگان‏ مقالات آن جلد ذکر شده است؛و سرانجام اینکه در پایان هر جلد فهرست اعلام مختصری دارد.این‏ دایرة المعارف را مؤسسهء مطبوعاتی«اسماعیلیان»در تهران نیز به طریق افست چاپ و منتشر کرده بوده‏ است.

گام بعدی در این راه،تدوین«دایرة المعارف القرن‏ العشرین»(للمیلاد/الرابع عشر هـ.)محمد فرید وجدی بک بن مصطفی وجدی بک بن علی رشاد مصری(1875 یا 1954-1878/1292 یا 1373-1295 هـ.ق) است که خیلی بیشتر از دایرة المعارف بستانی صبغهء دینی دارد و اول بار در فاصلهء سالهای 1910 تا 1918 در مطبعهء دایرة المعارف(قاهره)در ده جلد(هر جلد نزدیک به هزار صفحه)چاپ و منتشر شد.چاپ‏ دوم این دایرة المعارف در سال 1923 در همان‏ مطبعه،و چاپ سوم آن در سال 1971،توسط «دار المعرفة للطباعة و النشر بیروت»(هر دو در ده‏ جلد)انجام شد.مؤلف«دایرة المعارف الاسلامیهء ایران» -که در پایین بدان اشاره خواهیم کرد-در مقدمهء جلد اول کتاب خود(ص 7)دایرة المعارف فرید وجدی را اثری دانسته که«برای دبیرستانها گردآوری شده‏ است».این دایرة المعارف که برآمده از فضای نهضت‏ ادبی ابتدای قرن بیستم مصر است،به طور عمده‏ برگرفته از دایرة المعارف فرانسوی«لاروس»بوده و فرید وجدی در مقدمهء کوتاه(دو صفحه‏ای)خود بر این امر تصریح کرده است.وی پنج سال پیش از انتشار این‏ دایرة المعارف،کتاب دیگری تحت عنوان«کنز العلوم و اللغة»(به ظاهر بر اساس فرهنگ کوچک لاروس یا با گوشهء چشمی به آن)تدوین کرده بوده که چون بسیار مورد توجه و استقبال واقع شده،او را به توسیع و بسط آن،یعنی تدوین همین«دایرة المعارف القرن العشرین»، واداشته بوده است.از«کنز العلوم و اللغة»به عنوان یکی‏ از نفیس‏ترین آثار وی یاد کرده‏اند.این هر دو کتاب نظم‏ و ترتیبی قاموسی،یعنی الفبایی دارند و عنوان تفصیلی‏ دایرة المعارف او-که بسیار هم تفصیلی است!-به‏ خوبی نشان می‏دهد که این دایرة المعارف چه وجههء نظرهایی داشته است:«قاموس عام مطول للغة العربیه‏ و العلوم النقلیه و العقلیه و الکونیه بجمیع اصولها و فروعها فقیه النحو و الصرف و البلاغة و المسائل الدینیة و تاریخ الفرق و المذاهب و التفسیر و الحدیث و الاصول‏ و التاریخ العام و الخاص و تراجم مشهوری الشرق و الغرب و الجغرافیة الطبیعیة و السیاسیة و الکیمیاء و الفلک و الفلسفة و العلوم الاجتماعیة و الاقتصادیة و الروحیة و الطب و العلاج و قانون الصحة و الفوائد المنزلیه و خواص العقاقیر و الاقرباذین و الاحصاءات و سائر ما یهم الانسان فی جمیع المطالب».در مقدمهء موسوعة المیسرة-که به آن نیز در پایین اشاره‏ خواهیم کرد-،از یک طبع بیست جلدی از دایرة المعارف فرید وجدی که در سال 1938 منتشر شده بود به عنوان اولین چاپ این دایرة المعارف یاد شده است.با این حساب ممکن است چاپ بیروت از این کتاب-که پیشتر ذکر شد-در واقع افست از روی‏ چاپ سوم(1971)،و لذا در عمل چاپ چهارم آن‏ باشد.

قدم بعدی در طریق دایرة المعارف نویسی در جهان‏ اسلام و در زبان عربی همانا ترجمه‏ای است که در فاصلهء سالهای 1933 تا 1965 از طبع اول‏ دایرة المعارف انگلیسی(یا فرانسه)اسلام(تا حرف ظ) به عمل آمد.نجیب العقیقی در«المستشرقون»(ج‏ 3،ص 1108)می‏گوید:ترجمهء دایرة المعارف اسلام‏ به عربی از حرف«ع»به این سو بر اساس طبع جدید دایرة المعارف اسلام قرار گرفت که از سال 1954 به‏ بعد منتشر شده بود.به هر حال تا زمان جنگ دوم، سیزده جلد از این ترجمه منتشر شد و بعد از مدتی‏ توقف در سالهای 46-1945 دو جلد دیگر از آن نیز انتشار یافت و بعد همین مجلدات ناقص در تهران و لبنان نیز افست شد و مایهء آشنایی بیشتر مسلمانان‏ کشورهای عربی و ایران و شبه قاره با دایرة المعارف‏ اسلام گردید.نخستین جزء از اولین جلد ترجمهء عربی‏

دایرة المعارف اسلام به ترجمهء محمد ثابت الفندی، احمد الشنشاوی،ابراهیم زکی خورشید،و عبد الحمید یونس در جمادی الثانی 1352/اکتبر 1934 منتشر شد و مدخل‏های«أ»تا«ألابشیهی»را در برمی‏گرفت.از این ترجمهء عربی عموم اهل نظر به‏ عنوان ضعیف‏ترین ترجمه و اقتباس دایرة المعارف‏ اسلام در زبانهای جهان اسلام یاد کرده‏اند.مترجمان‏ هر بخشی از متن را که نخواسته‏اند،ترجمه نکرده‏اند و در آنچه ترجمه کرده‏اند دقت لازم را روا نداشته‏اند و به‏ جای این همه،توضیحات و حواشی پر حشو و غیر دقیق و مطول گویانه‏ای بر آن(یعنی بر اکثر مقالات آن) افزوده‏اند.این افزوده‏ها بیشتر در زمینه‏های عقیدتی‏ اسلامی است و افزون بر خود مقالات اصلی،این‏ افزوده‏ها نیز که در ذیل صفحات آمده‏اند،امضا دارند.

در گامهای بعدی دایرة المعارف‏ها یا موسوعات‏ دیگری در زبان عربی منتشر شد که هیچ کدام حتی‏ اهمیت اهتمام‏های قبلی را نیز نداشت.در سال‏ 1951 یک دایرة المعارف یک جلدی(در هشتصد صفحه)در قاهره و توسط«مکتبة الانجلو المصریه» انتشار یافت که احمد عطیة الله بنا بر آنچه در مقدمهء دو صفحه‏ای خود گفته بود،آن را با استفاده از منابع و مراجع عربی و انگلیسی و فرانسه و آلمانی(به ترتیب‏ الفبایی و مصور)تحت عنوان«دایرة المعارف الحدیثة- موسوعة عامة فی اللغة و الآداب و العلوم و الفنون‏ مهوبة تبویبا،ابجدیا و موضحة بالرسوم و الصور و الخرائط»فراهم آورده بود.هدف مؤلف از تدوین این اثر در کل آن بود که دایرة المعارف کوچکی حاوی اطلاعات‏ و مدخل‏های جدید و به طور مطلق بر اساس نظم‏ الفبایی تدارک کند.وی در مقدمهء کوتاهش گفته است‏ که چون در زبان عربی بیشتر کلمات و اسامی با ادات‏ تعریف یا اب و ابو و ابن و یا اسم کوچک افراد(که‏ مشهور نیست)شروع می‏شوند،او راه میانه‏ای را در پیش گرفته تا مراجعه کننده در یافتن مدخل مورد نظرش تا حد امکان راحت‏تر باشد؛و لذا برای نمونه‏ «ابن خلدون را ذیل ابن،بنی امیه را ذیل امیه،ابن حزم‏ را ذیل حزم،الخنساء را ذیل خنساء،و ابو الطیب‏ المتنبی را ذیل متنبی»وارد کرده است.این‏ دایرة المعارف نیز عام و الفبایی است،مدخل‏های آن‏ حرکت‏گذاری یا آوانویسی نشده‏اند و ضبط لاتین‏ اسامی و اعلام نیز در آن ذکر نشده است،و کمابیش‏ صبغه‏هایی اسلامی دارد.

به ظاهر در سال 1955 در لبنان نیز دایرة المعارف‏ یک جلدی دیگری تحت عنوان«الموسوعة العربیة» منتشر شده بوده است.به تقریب همزمان با تمهید مقدمات و برنامه‏ریزی برای تدوین یک دایرة المعارف‏ فارسی بر اساس ترجمه و اقتباس دایرة المعارف یک‏ جلدی«وایکینگ دسک کولومبیا»-که بعد به لحاظ اهتمام ایثارگرانه و استادانهء مرحوم غلامحسین‏ مصاحب در مقام سرویراستار آن،به«دایرة المعارف‏ مصاحب»و یا حتی در محاورات خصوصی‏تر بر اختصار به«مصاحب»شهرت یافت،و جلد سوم و پایانی آن‏ سالهاست که در حال منتشر شدن است!-،طرح‏ مشابهی برای ترجمه و اقتباس همان‏ دایرة المعارف کوچک آمریکایی،برای تدوین‏ دایرة المعارفی عمومی به زبان عربی از سوی شعبهء مصری انتشارات فرانکلین در قاهره عرضه شد.موافقت‏ جمال عبد الناصر رئیس جمهور فقید مصر با این طرح‏ در یکم ژوئن سال 1959 نقطهء آغاز تشریک مساعی‏ شمار زیادی از مشاهیر نویسندگان و مترجمان و دانشمندان مصری و عرب شد که حاصل آن در کمتر از یک دههء بعد،در سال 1965 با نام«الموسوعة العربیة المیسره»در یک جلد منتشر شد.حتی یک مقایسهء بسیار گذرا و اجمالی میان این موسوعة و دایرة المعارف‏ فارسی-که هر دو بر حسب ظاهر بر یک اساس مبتنی‏ بوده‏اند-نیز کافی است تا سهل‏انگاری و آشفته کاری‏ بانیان و عاملان تدارک این موسوعه و صلابت و دقت‏ مرحوم مصاحب و همکاران و مآلا مراتب پیشرفتگی‏ «دایرة المعارف فارسی»در قیاس با همهء دایرة المعارف‏های دیگر شرقی(شاید به استثنای‏ کارهای ترک‏ها)،آشکار شود.بخش عمدهء هزینهء تدارک«موسوعهء المیسره»را مؤسسهء آمریکایی«فورد» تأمین کرده بود،و برخی از جملهء مشاهیر محققان و نویسندگان مصری،همچون دکتر ابراهیم مدکور و دکتر زکی نجیب محمود از جملهء اعضای کمیتهء اداره‏ کننده طرح تدوین این دایرة المعارف عربی-مصری و از جملهء همکاران و هم قلمان آن بودند.

با آنکه کار دایرة المعارف نویسی هم به لحاظ شکل و هم به لحاظ روش-که مستلزم کار جمعی برنامه‏ریزی‏ شده و سامانمند است-در جوامع اسلامی به طور کلی‏ امر مستحدث و کم سابقه‏ای است،ترک‏ها از بسیاری‏ جهات در آن پیشرفته‏ترند.افزوده‏های ترک‏ها به ترجمهء ترکی دایرة المعارف انگلیسی اسلام آن اندازه دقیق و وثیق است که گاهی غربی‏ها به طور عینی آنها را در طبع جدید دایرة المعارف اسلام ترجمه و نقل کرده‏اند.

ترک‏ها در دههء 1950 دایرة المعارف عمومی دیگری‏ تحت عنوان تورک آنسیکلوپدیسی منتشر کردند،و در سالهای دههء 1960 دایرة المعارف سومی به نام‏ استانبول آنسیکلوپدیسی فراهم آوردند که در آن‏ افزون بر مقالات و مدخل‏های مربوط به بناها و آثار دورهء عثمانی،مطالب و اطلاعات دیگری به زبان ترکی و خط لاتین و طبیعی است که با نظم الفبایی لاتین، آمده بود.افزون بر این سه دایرة المعارف و نیز«قاموس‏ الاعلام»دایرة المعارف‏گونه‏ای که در سالهای 1306- 1316 در شش جلد به زبان ترکی و خط و نظم الفبایی‏ عربی یا فارسی به همت ترک‏ها منتشر شده،به تازگی‏ تألیف و تدوین دایرة المعارف چهارمی را تحت‏ سرپرستی سازمان اوقاف ترکیه،و در زمینهء فرهنگ و تمدن و علوم اسلامی آغاز کرده‏اند که تا کنون دو مجلد از آن با چاپی بسیار نفیس و زیبا منتشر شده است.

در حوالی سال 1322/1943 نخستین جلد از اثری به ظاهر هفت جلدی در دو هزار صفحه تحت‏ عنوان«دایرة المعارف الاسلامیهء،ایران»و همگی‏ «معارف شیعهء امامیهء اثنی عشریه»تألیف عبد العزیز (صاحب جواهر)به زبان فارسی انتشار یافت که عنوان‏ تفصیلی آن در صفحهء عنوان کتاب چنین است:«راجع‏ به عقاید و افکار و ادوار سیاسی و ادبی و تاریخ بلاد و ممالک و آثار ادبی و مادی و شرح حال مردمان نامی‏ علمی و سیاسی و کتابهای خطی و چاپی از آغاز تشکیل این فرقه تا عصر حاضر با بهترین طرز و روش‏ مطابق اصول علمی تألیفات جدیده گفتگو می‏نماید که‏ در حدود چهل سال متوالی از کتابخانه‏های عراق و ایران و هندوستان و غیره با هزاران کنجکاوی گردآوری‏ شده است به اضافهء مستدرک در پایان هر جزء برای‏ معارف ایرانیان بیگانه از اهل سنت و غیر شیعهء امامیه. مؤلف این اثر که کتاب دیگری تحت عنوان«آثار الشیعه»(به ظاهر در چهار جلد)دارد و بخشهایی از استاد حسن الامین

\*عصر دایرة المعارف نویسی‏ در جهان اسلام فرا رسیده در سالهای اخیر انبوهی از دانشنامه‏های گوناگون در کشورهای اسلامی منتشر شده‏ یا در حال انتشار است:

«مثنوی»مولوی را نیز به نظم و نثر به عربی ترجمه‏ کرده،این دایرة المعارف را به قصد دفع«اشتباهات و تعرضات بی‏غرضانهء بسیاری»که در دایرة المعارف‏های‏ ثلاثه بستانی،فرید وجدی و ترجمهء عربی‏ «دایرة المعارف اسلام»نسبت به«تاریخ ایران و فرقهء امامیه»شده،و در کل برای زدودن زنگار تغافلی که در بیشتر آثار شرقی و غربی نسبت به آثار و مآثر شیعهء امامیه روا می‏شده،تألیف کرده است.او در مقدمهء چاپ دوم این کتاب(ص 8 چاپ سوم)به برخی از این‏ غفلت‏ها یا تغافل‏ها و نیز«تعرضات بی‏غرضانه»اشاره‏ کرده است.بنا بر آنچه از مقدمهء مؤلف برمی‏آید، گردآوری و تدوین این مجموعه،شش سال(1316 تا 1322)وقت برده است.

در این کتاب نام همهء افراد یک خاندان در ذیل نام‏ کلی آن خاندان آمده است،همچنان که اسامی و کتب‏ و شروح و حواشی آنها ذیل نام مؤلف وارد شده است.

اسامی ده‏ها و ولایات و فرق و تمام مسایل و موضوعات‏ جزئی دیگر نیز به همین سبک و سیاق،ذیل کلی‏ترین‏ عنوانی که بدان مربوط بوده‏اند ذکر شده‏اند.مؤلف‏ همهء«آل‏ها»و«بنوها»و«بیت‏ها»را زیر اسم اصلی وارد کرده،و برای مثال«آل بویه»را ذیل«بویه»،«آل کثیر»را ذیل«کثیر»،«بیت النحوی»را ذیل«النحوی»،«و بنو شاهین»را ذیل«شاهین»آورده است.

به خلاف این سیر کند و کمابیش منقطع،به ظاهرعصر دایرة المعارف نویسی در جهان اسلام تازه فرا رسیده و در سالهای اخیر انبوهی از دایرة المعارف‏های‏ گوناگون در کشورهای اسلامی منتشر شده یا در حال‏ منتشر شدن است.این رونق دیر آمده که نشان از تأخیری در بلوغ فرهنگی جوامع اسلامی دارد،به هر حال مولود نیازی بسیار جدی و مآلا امیدوار کننده‏ است.نگاهی سریع و گذرا به عناوین تعدادی از دایرة المعارف‏های دستیاب،از میان انبوه آنچه در سالهای اخیر منتشر شده،به خوبی مؤید این معناست: وزارت اوقاف و شؤون اسلامی کویت موسوعهء فقهی‏ مهمی دربارهء همهء مذاهب فقهی،حتی مذاهب منقرض‏ شده منتشر کرده که قرار بوده تا سال 1990/1369 در 25 جزء کامل شود،مؤسسه‏ای در شهر قم(به ظاهر مؤسسهء«المعارف الاسلامیه»)مجموعه‏ای از آیات و روایات وارد شده دربارهء حضرت مهدی(عج)تحت عنوان‏ «موسوعة المهدی»فراهم آورده و در پی آن دست در کار تدوین یک دایرة المعارف فقهی(به ظاهر شیعی) تحت عنوان«موسوعة الفقهیه»است.یک دایرة المعارف‏ فقهی دیگر نیز در ایران منتشر می‏شده که به«موسوعهء برغانی»شهرت داشته است،وزارت برنامه‏ریزی کویت، دایرة المعارفی دربارهء اوضاع اقتصادی و اجتماعی‏ کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی و مشکلات‏ کنونی جهان اسلام به سه زبان عربی،انگلیسی و فرانسه،در سه مجلد و مجموعا دو هزار صفحه،تحت‏ عنوان«موسوعة الدول الاسلامیه»تدارک کرده که قرار بوده تا اکتبر سال 1989/مهر 1368 منتشر شود «مجمع البحوث الملکی لحضارة الاسلامیهء اردن»با همکاری 37 نفر از دانشمندان مسلمان صاحبنظر در زمینه‏های مختلف تمدن اسلامی،دایرة المعارفی‏ دربارهء تمدن اسلامی در دست تدوین دارند که چندی‏ پیش،طبع آزمایشی یک جزء از آن انتشار یافت، سازمان تربیتی،علمی و فرهنگی اسلامی(ایسیسکو) که در رباط،پایتخت مراکش مستقر است،مقدمات‏ تدوین دایرة المعارفی دربارهء زبانهای جهان اسلام را(در شش جلد)تدارک کرده و به ظاهر تا حدود قابل‏ ملاحظه‏ای در آن پیش رفته است؛«المؤسسة العربیة للدراسة و النشر بیروت»نیز به تدوین دایرة المعارفی‏ دربارهء ادبیات عرب،تحت عنوان«موسوعة الادب‏ العربی»(در پنج مجلد)اهتمام کرده است؛«دار العلم‏ للملایین بیروت»دانشنامه‏ای به قلم شیخ طه الولی‏ دربارهء مساجد مهم اسلام مسجد الحرام،مسجد الاقصی،مسجد اموی،جامع ازهر،جامع زیتونه،و جامع قرطبه و نیز«الکعبات»ایام جاهلیت منتشر کرده است.از همین ناشر لبنانی آثار موسوعی یا دایرة المعارفی دیگری همچون«موسوعة المورد»منیر البعلبکی(در سال 1983 در 11 جلد)انتشار یافته‏ است.«هیئة الموسوعة الفلسطینیة»در دمشق نیز در سال 1984 دایرة المعارف قابل توجهی دربارهء فلسطین تحت عنوان«الموسوعة الفلسطینیه»در چهار جلد منتشر کرد.حسن الامین افزون بر دایرة المعارف‏ شیعی خود،مجموعهء بی‏سرانجامی تحت عنوان‏ «موسوعهء الاسلامیه»منتشر کرد،موسوعه‏ای دربارهء عتبات عالیات انتشار یافت و...طبیعی است در این‏ میانه آثار بازاری و کتابساختی فراوانی به بازار آمده‏ است که به لحاظ رونق رویکرد کتاب خوانان کشورهای‏ مسلمان به دایرة المعارف‏ها،گریزی از آنها نبوده است.

در کشور خودمان در سالهای اخیر دایرة المعارفهای‏ معتنابهی منتشر شده یا در دست انتشار است که هر کدام در خور بررسی و معرفی جداگانه‏ای است.